

مبحث : درسنامه تفصیلی عربی سال یازدهم انسانی

جزوه جامع عربی یازدهم انسانی

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

با توجه به لزوم تغییر و به‌روزرسانی منابع آموزشی در نظام آموزش و پرورش و به منظور تسهیل آموزش زبان عربی در مقطع متوسطه و کاربردی نمودن آن، گروه تألیف کتاب درسی عربی به تدوین کتابی جدید اقدام کرد که بتواند با محوریت مهارت‌های زبانی و تمرکز بیشتر بر روی فهم متون عربی و مکالمه آن، دانش‌آموزان پایه متوسطه اول و دوم را در راه رسیدن به این هدف یاری رساند.

مؤلف این سطور نیز در این نوشتار سعی دارد تا با توجه به همین اهداف و با بیانی ساده و قابل فهم برای دانش‌آموز، موضوعات مطرح شده در کتاب عربی یازدهم را به دانش‌آموزان عزیز ارائه دهد.

در این نوشتار قصد داریم به دو حوزه گرامر و واژه‌آموزی در متن بپردازیم. بنابراین در هر درس، ابتدا واژه‌های مهم آن درس شرح می‌دهیم و نکات مربوط به هر یک در جدولی که در ابتدای هر درس قرار داده شده، می‌آوریم. سپس به گرامر مربوطه خواهیم پرداخت؛ زیرا بر این باوریم که این قواعد در مرحله ترجمه جملات به کار گرفته می‌شوند. در پایان نیز «خلاصه یا چکیده» ای از مطالب ارائه شده را بیان کرده و پس از آن، در قالب «اختبر نفسك: خودآزمایی» میزان و کیفیت آموخته‌های دانش‌آموز سنجیده می‌شود.

در پایان، امیدوارم که این جزوه نیز مورد توجه و استفاده دانش‌آموزان و همه علاقه‌مندان به فراگیری زبان عربی قرار گیرد.

مبحث : درسنامه تفصیلی عربی سال یازدهم انسانی

جزوه جامع عربی یازدهم انسانی

الدرس الأول: من آیات الأخلاق: از نشانه‌های اخلاق

شرح المفردات (توضیح کلمات)

کلمه	نوع کلمه	ترجمه
لا یَسْخَرُ	فعل - ثلاثی مجرد	نباید مسخره کنند
عسی	فعل (غیرقابل تغییر)	شاید
أَنْ یَكُونُوا	فعل (ناقصه) ^۱	که باشند
أَنْ یَكُنَّ	فعل (ناقصه)	که باشند (سوم شخص جمع مونث)
لا تَلْمِزُوا	فعل نهی - ثلاثی مجرد	عیب‌جویی نکنید
لا تَنَابَزُوا	فعل نهی - ثلاثی مزید	به یکدیگر لقب زشت ندهید
بئس	فعل (غیرقابل تغییر)	چه بد است (فعل ذم: سرزنش)
الفسوق	اسم (مصدر)	آلودگی به گناه
لَمْ یَتُبْ	فعل مضارع - ثلاثی مجرد	توبه نکرد (در متن درس: توبه نکند)
إثم	اسم	گناه (مترادف: ذنب، جرعة، خطیئة، جُنَاح)
لا تَجَسَّسُوا	فعل نهی - ثلاثی مزید	جاسوسی نکنید (مصدر آن: تَجَسَّس)
لا یَغْتَبْ	فعل نهی - ثلاثی مجرد	غیبت نکند
بعضه کم	اسم (مضاف)	یکی از شما
لحم	اسم	گوشت
میت	اسم (صفت)	مرده
گرهشتم	فعل ماضی - ثلاثی مجرد	ناپسند دانستید (در متن درس: نفرت دارید)
اتَّقُوا	فعل امر - ثلاثی مزید	از خدا پروا کنید (بترسید)
تَوَاب	اسم (مبالغه، بر وزن فَعَال)	بسیار توبه‌پذیر
قَدْ	حرف (تقلیل)	گاهی
العُجْب	اسم (مصدر)	خودپسندی (مترادف: تکبر)
خفی	اسم (صفت)	پنهان

^۱ - در درس‌های آینده با «أفعال ناقصة» و معانی آنها آشنا خواهید شد.

مبحث : درسنامه تفصیلی عربی سال یازدهم انسانی

جزوه جامع عربی یازدهم انسانی

أنْ تَعِيبَ	فعل مضارع	که عیب جویی کنی (مضارع التزامی)
لا تَلْقَبُوا	فعل نهي	لقب ندهید
حَرَمَ	فعل ماضی (ثلاثی مزید)	حرام نمود
الاستهزاء	اسم (مصدر ثلاثی مزید)	مسخره کردن
تسمیة	اسم (مصدر ثلاثی مزید)	نامیدن
فَضَحَ	اسم (مصدر ثلاثی مجرد)	رسواسازی
کبائر	اسم (جمع مکسر: کبيرة)	گناهان بزرگ
التواصل	اسم (مصدر ثلاثی مزید)	ارتباط برقرار کردن با یکدیگر

اعْلَمُوا

اسْمُ التَّفْضِيلِ وَ اسْمُ الْمَكَانِ

۱. اسم تفضیل

«اسم تفضیل» یکی دیگر از اسم‌هایی است که از «فعل» ساخته می‌شود. این اسم با هدف مقایسه بین دو چیز و بیان مفهوم برتری یکی نسبت به دیگری به کار می‌رود. این اسم در زبان عربی بر دو وزن «أَفْعَلٌ» و «فُعْلَى» دیده می‌شود:

مانند: أَفْضَلُ، أَعْلَمُ، أَجْمَلُ، أَكْبَرُ، أَصْغَرُ... / كُبْرَى، صُغْرَى، عُظْمَى، فُضْلَى....

اگر این اسم با حرف «مِنْ» به کار رود، معنای «صفت برتر» می‌دهد. مانند:

هو أَفْضَلُ مِنَ الْآخِرِينَ: او از دیگران برتر است.

أَنْتَ أَعْلَمُ مِنِّي: تو از من داناتر هستی.

اگر این اسم به اسمی (مفرد یا جمع) اضافه شود، معادل «صفت عالی» است. مانند:

آسیا أَكْبَرُ قَارَةِ فِي الْعَالَمِ: آسیا بزرگ‌ترین قاره در جهان است.

روسیا أَكْبَرُ الْبِلَادِ فِي الْعَالَمِ: روسیه بزرگ‌ترین کشور در جهان است.

نکته ۱: گاهی از اوقات، اسم تفضیل به «الف» یا به یک «حرف مشدّد» ختم می‌شود. مانند:

جبل دماوند أَعْلَى جَبَلٍ فِي إِيران: کوه دماوند بلندترین کوه در ایران است.

أَحَبُّ النَّاسِ أَنْفَعُهُمْ لِلاَّخِرِينَ: محبوب‌ترین مردم سودمندترینشان نسبت به دیگران است.

نکته ۲: برخی اسامی با هدف بیان رنگ نیز بر همین وزن «أَفْعَلٌ» به کار می‌روند که در این صورت اسم

تفضیل نیستند. مانند: أَخْضَرُ (سبز)، أَحْمَرُ (قرمز)، أَزْرَقُ (آبی)....

مبحث : درسنامه تفصیلی عربی سال یازدهم انسانی

جزوه جامع عربی یازدهم انسانی

نکته ۳: دو کلمه «خَيْر» و «شَر» در اصل بر همین وزن (أَفْعَل: أَحْيَر - أَشَر) بوده‌اند که (همزه) آن بر اثر کثرت استعمال حذف شده است. مانند:

(تَفَكَّرَ سَاعَةً خَيْرًا مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً: یک ساعت اندیشیدن بهتر از هفتاد سال عبادت است)

(شَرَّ النَّاسِ مَنْ لَا يَعْتَقِدُ الْأَمَانَةَ: بدترین مردم کسی است که پایبند به امانت نباشد)

نکته ۴: مونث «أَفْعَل» بر وزن «فُعْلَى» به کار می‌رود. مانند: كُبْرَى، صُغْرَى، فُضْلَى، ...

زینب الکبری: زینب بزرگ‌تر، فاطمة الصغری: فاطمه کوچک‌تر

اما اسم تفضیل در مقام مقایسه بین دو اسم مونث غالباً بر وزن «أَفْعَل» مورد استفاده قرار می‌گیرد. مانند:

زینب اکبر من فاطمة: زینب از فاطمه بزرگ‌تر است.

نکته ۵: اسم تفضیل غالباً به صورت مکسر و بر وزن «أَفَاعِل» جمع بسته می‌شود. مانند:

أَفْضَلُ ← أَفْضَلُ، أَرْذَلُ ← أَرْذَلُ، أَكْبَرُ ← أَكْبَرُ، أَعْظَمُ ← أَعْظَمُ، ...

إِذَا مَلَكَ الْأَرَاذِلُ هَٰلِكَ الْأَفَاضِلُ: آن‌هنگام که فرومایگان به قدرت برسند، دانیان از بین می‌روند.

۲. اسم مکان: یکی دیگر از کلماتی است که از فعل ساخته می‌شود. این اسم در زبان عربی غالباً بر وزن

«مَفْعَل» و در برخی موارد بر وزن «مَفْعِل» و «مَفْعَلَة» است.

«مَفْعَل» ← مَطْبَخ: آشپزخانه، مَلْعَب: ورزشگاه، مَصْنَع: کارخانه، مَطْعَم: رستوران...

«مَفْعِل» ← مَنْزِل: خانه، تَحْمِيل: کجاوه، مَغْرِب: محل غروب، مَشْرِق: محل طلوع...

«مَفْعَلَة» ← مدرسه: مدرسه، مَكْتَبَة: کتابخانه، مَطْبَعَة: چاپخانه...

اسم مکان هم غالباً به صورت مکسر و بر وزن «مَفَاعِل» جمع بسته می‌شود. مانند:

مَكْتَبَة (مکاتب)، مَطْبَعَة (مطابع)، مدرسه (مدارس) مصنع (مصانع)، ملعب (ملاعب)...

خلاصه درس

۱. اسم تفضیل برای مقایسه دو چیز و بیان برتری یکی بر دیگری مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۲. اسم تفضیل برای مذکر بر وزن «أَفْعَل» و برای مونث بر وزن «فُعْلَى» است.

۳. اسم تفضیل با حرف جر «مِنْ» معادل صفت برتر و در صورت اضافه شدن به اسم دیگر (مفرد یا جمع) به معنای صفت عالی در زبان فارسی است.

۴. اسم تفضیل در مقام مقایسه بین دو اسم مونث غالباً بر وزن «أَفْعَل» مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۵. اسم تفضیل غالباً به صورت جمع مکسر و بر وزن «أَفَاعِل» به کار می‌رود.

مبحث : درسنامه تفصیلی عربی سال یازدهم انسانی

سال تحصیلی: ۱۳۹۶

تألیف: نعمت اله مقصودی

جزوه جامع عربی یازدهم انسانی

۶. اسم مکان در زبان عربی بر یکی از سه وزن «مَفْعَل»، «مَفْعِل» و «مَفْعَلَة» است.

۷. اسم مکان بر وزن «مَفَاعِل» جمع بسته می شود.

اختیر نفسک

عین فی العبارات التالية اسم التفضیل و اسم المكان، ثم قُم بترجمة العبارات.

۱. عداوة العاقل خیرٌ من صداقة الجاهل.

۲. رجاء، أعطني قميصاً أرخص.

۳. اشتریتُ سروالاً أبيضَ من متجَرٍ صديقي.

۴. مَكْتَبَةُ جامعةٍ طهرانَ أغنی مَكْتَبَةً في إيران.

۵. أكلتُ الغداءَ في أفضلِ مطاعمِ المدينة.

مبحث : درسنامه تفصیلی عربی سال یازدهم انسانی

جزوه جامع عربی یازدهم انسانی

الدرس الثاني: صناعة التلميع في الأدب الفارسي: صنعت تلميع در ادبیات فارسی

شرح المفردات (توضیح کلمات)

کلمه	نوع کلمه	ترجمه
التلميع	اسم (مصدر ثلاثی مزید باب تفعیل)	درخشان نمودن
ممزوجة	اسم مفعول ثلاثی مجرد	آمیخته
جَرَّبَ	فعل ماضی - ثلاثی مزید باب تفعیل	آزمود
مصانع	اسم مکان - جمع مکسر	آب انبارها، کارخانه‌ها (مفرد آن: مصنع)
رُكِبَ	اسم - جمع مکسر	سواران (مفرد آن: راكب)
تُفْتَشُ	فعل مضارع مجهول - ثلاثی مزید باب تفعیل	جستجو می‌شود
نُحِنَ	فعل ماضی - ثلاثی مجرد از فعل (ناح، ينوح)	نال و شیون سر دادند



إِسْمُ الْفَاعِلِ وَ اسْمُ الْمَفْعُولِ وَ اسْمُ الْمُبَالِغَةِ

موضوع الدرس: اسم الفاعل، واسم المفعول، واسم المبالغة

برخی از اسم‌ها در زبان عربی از فعل ساخته می‌شوند و هر کدام به نوعی در ارتباط با فعل هستند. سه مورد از این اسم‌ها عبارتند از: اسم فاعل - اسم مفعول - اسم مبالغه

۱- اسم فاعل: اسمی است که به انجام‌دهنده کار اشاره می‌کند و در زبان فارسی به **صفت فاعلی** شناخته می‌شود.

صفت فاعلی عبارت است از: ریشه فعل + پسوند (نده - گر - ا). مثال:

نوشتن ← نویسنده یاری کردن ← یاریگر دانستن ← دانا

اسم فاعل در زبان عربی از دو نوع فعل (ثلاثی مجرد و مزید) ساخته شود:

مبحث : درسنامه تفصیلی عربی سال یازدهم انسانی

جزوه جامع عربی یازدهم انسانی

اسم فاعل ثلاثی مجرد: بر وزن (فاعل) به کار می‌رود. مثال:

کَتَبَ ← کاتب: نویسنده نَصَرَ ← ناصر: یاریگر عَلِمَ ← عالم: دانا

اسم فاعل ثلاثی مزید: با «مُ» شروع می‌شود و یک حرف مانده به آخر ریشه فعل، کسره (ـِ) می‌گیرد. مثال:

يُعَلِّمُ ← مُعَلِّم: آموزش‌دهنده اقْتَرَحَ ← مُقْتَرِح: پیشنهاددهنده يَتَعَلَّمُ ← مُتَعَلِّم: یادگیرنده

۲- اسم مفعول: اسمی است که به انجام‌شده کار اشاره می‌کند و در زبان فارسی به صفت مفعولی شناخته می‌شود.

صفت مفعولی عبارت است از: ریشه فعل + ه + شده. مثال:

نوشتن ← نوشته شده یاری کردن ← یاری شده دانستن ← دانسته شده

اسم مفعول هم در زبان عربی از دو نوع فعل (ثلاثی مجرد و مزید) ساخته شود:

اسم مفعول ثلاثی مجرد: بر وزن (مفعول) به کار می‌رود. مثال:

کَتَبَ ← مکتوب: نوشته شده نَصَوَ ← منصور: یاری شده عَلِمَ ← معلوم: دانسته شده

اسم مفعول ثلاثی مزید: با «مُ» شروع می‌شود و یک حرف مانده به آخر ریشه فعل، فتحه (ـَ) می‌گیرد. مثال:

يُعَلِّمُ ← مُعَلِّم: آموزش داده شده اقْتَرَحَ ← مُقْتَرَح: پیشنهاد داده شده يَتَعَلَّمُ ← مُتَعَلِّم: یادگرفته شده

مبحث : درسنامه تفصیلی عربی سال یازدهم انسانی

جزوه جامع عربی یازدهم انسانی

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةَ وَ الدُّعَاءَ، ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْفَاعِلِ وَ اسْمَ الْمَفْعُولِ.

الْكَلِمَةُ	الترجمة	اسم الفاعل	اسم المفعول
يُعَلِّمُ : یاد می دهد	مُعَلِّمٌ		
يَعْلَمُ : می داند	عَالِمٌ		
اقترح : پیشنهاد کرد	مُقْتَرِحٌ		
يُجَهِّزُ : آماده می کند	مُجَهِّزٌ		
ضَرَبَ : زد	مَضْرُوبٌ		
يَتَعَلَّمُ : یاد می گیرد	مُتَعَلِّمٌ		

۳- اسم مبالغه: «مبالغه» در لغت به معنای «افراط و زیاده روی» است. این اسم بیانگر «زیاد بودن یک صفت» و در فارسی دارای پیشوند «بسیار» است. این اسم در زبان عربی بر دو وزن به کار می رود:

- ۱- فَعَالٌ: غَفَّارٌ: بسیار آمرزنده عَلَّامٌ: بسیار دانا صَبَّارٌ: بسیار شکیبا
- ۲- فَعَالَةٌ: عَلَّامَةٌ: بسیار دانا فَهَّامَةٌ: بسیار فهمیده أَمَّارَةٌ: بسیار فرمان دهنده

نکته مهم

گاهی وزن «فَعَالٌ» و «فَعَالَةٌ» بر شغل دلالت می کند؛ مانند خَبَّاز (نانوا)؛ حَدَّاد (آهنگر)
گاهی نیز بر ابزار، وسیله یا دستگاه دلالت می کند؛ مانند
فَتَّاحَةٌ (در بازکن)؛ نَظَّارَةٌ (عینک)؛ سَيَّارَةٌ (خودرو)
کلمات بالا در دو حالت (دلالت بر شغل و ابزار، وسیله یا دستگاه) اسم مبالغه به شمار نمی رود.

مبحث : درسنامه تفصیلی عربی سال یازدهم انسانی

جزوه جامع عربی یازدهم انسانی

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ التَّرَاكِيِبَ التَّالِيَةَ.

.....: ﴿أَمَارَةٌ بِالسَّوِّءِ﴾	: ﴿عَلَامُ الْغُيُوبِ﴾
.....: ﴿أَخْلَاقُ الْعَلِيمِ﴾	: ﴿مَا أَنَا بِظَلَامٍ﴾
.....: ﴿حَمَالَةَ الْحُطْبِ﴾	: ﴿هُوَ كَذَابٌ﴾
.....: ﴿لِكُلِّ صَبَّارٍ﴾	: ﴿يَا عَفَّارَ الذُّنُوبِ﴾
.....: ﴿يَا سَتَارَ الْغُيُوبِ﴾	: ﴿الطَّيَّارُ الْإِيرَانِيُّ﴾
.....: ﴿مَيْثَمُ التَّمَّارِ﴾	: ﴿أَلِهَاتِفُ الْجَوَالِ﴾
.....: ﴿رَسَامُ الصُّوَرِ﴾	: ﴿فَتَّاحَةُ الرُّجَا جَةِ﴾

تمرین ۱: کلمات جدول زیر را ترجمه کنید.

.....	دافع		مرفوع		حارس
.....	مجموع		مصدق		مقلد
.....	مسافر		معتمد		عفار
.....	رسام		حمال		صیاد

تمرین ۲: احادیث زیر را ترجمه و سپس اسم فاعل و مفعول را مشخص کنید.

عَالِمٌ يُنْتَقَعُ بِعِلْمِهِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفٍ عَابِدٍ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

الْجَلِيسُ الصَّالِحُ خَيْرٌ مِنَ الْوَحْدَةِ، وَالْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنَ جَلِيسِ السَّوِّءِ.

رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

كَاتِمُ الْعِلْمِ، يَلْعَنُهُ كُلُّ شَيْءٍ حَتَّى الْحَوْثُ فِي الْبَحْرِ وَالطَّيْرُ فِي السَّمَاءِ.

رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

مبحث : درسنامه تفصیلی عربی سال یازدهم انسانی

جزوه جامع عربی یازدهم انسانی

الدرس الثالث: عجائب المخلوقات: شگفتی‌های موجودات

شرح المفردات:

کلمه	نوع کلمه	ترجمه
تَفَكَّرُوا	فعل امر - ثلاثی مزید باب تَفَعَّل	بیاندیشید
الطَّنَان	اسم مبالغه	بسیار پرسر و صدا (مرغ مگس)
يُثِيرَانِ	فعل مضارع - ثلاثی مزید باب إِفعال	برمی‌انگیزند
تنظيف	اسم - مصدر باب تفعیل	پاک‌سازی

مبحث : درسنامه تفصیلی عربی سال یازدهم انسانی

جزوه جامع عربی یازدهم انسانی



أُسْلُوبُ الشَّرْطِ وَ أَدَوَاتُهُ

اسلوب شرط و کلماتش

اسلوب شرط: به جمله‌ای گفته می‌شود که به وسیله آن، انجام یا تحقق کاری را وابسته (مشروط) به کاری دیگر می‌دانیم. برای چنین هدفی از کلماتی (اسم-حرف) به نام ادوات (کلمات) شرط کمک می‌گیریم. ادوات شرط عبارتند از:

ادوات شرط	ترجمه
حرف شرط «إِنْ»	اگر
اسم شرط «مَنْ»	هر که
اسم شرط «مَا»	هر چه

ادوات شرط در جملات، بر روی دو فعل تأثیر می‌گذارند؛ به فعل اول که شرط تحقق فعلی دیگر است، فعل شرط و به فعل دوم که جواب و نتیجه انجام فعل قبلی است، جواب شرط می‌گویند. این ادوات در معنا و گاهی هم در لفظ فعل و جواب شرط تأثیر می‌گذارند. این تأثیرات به این شکل ملاحظه می‌گردد:

أ) معنا: فعل شرط (ماضی ساده یا مضارع اخباری) به مضارع التزامی و جواب شرط (ماضی ساده یا مضارع اخباری) به مضارع اخباری ترجمه می‌شود. مثال:

إِنْ اجْتَهِدْتَ فِي أَعْمَالِكَ نَجَحْتَ فِيهَا اگر در کارهایت تلاش کنی در آنها موفق می‌شوی
 إِنْ تَجْتَهِدْ فِي أَعْمَالِكَ تَنْجَحْ فِيهَا:

ب) ساختار: در صورتی که هر کدام از این دو فعل، مضارع باشند به این ترتیب تغییر می‌یابند:

علامت ضمه (ُ) به (ـ) تبدیل و علامت «ن» در آخر فعل مضارع (به جز صیغه سوم شخص جمع) حذف می‌گردد.

- مَنْ يُحَاوِلْ كَثِيرًا يَصِلْ إِلَى هدفه: هر که بسیار تلاش کند به هدفش می‌رسد.

مبحث : درسنامه تفصیلی عربی سال یازدهم انسانی

جزوه جامع عربی یازدهم انسانی

- ما تزرعوا في الدنيا تحصدوا في الآخرة: هر چه در دنیا بکارید در آخرت برداشت می کنید.
- إِنَّ تَفَكُّرًا فِي أَعْمَالِكُمْ تَنْجَحُ فِيهَا: اگر در کارهایت بیاندیشی در آنها موفق می شوی.

نکته ۱: گاهی جواب شرط به شکل جمله اسمیه هم می آید. مثال:

مَنْ يَتَفَكَّرْ فِي عَاقِبَةِ الْأُمُورِ فَهُوَ نَاجِحٌ: هر که در فرجام کارها بیاندیشد موفق می گردد.

نکته ۲: حرف «إذا» اگر برای بیان انجام مشروط کاری در زمانی خاص مورد استفاده قرار بگیرد، یکی از أدوات شرط و به معنای (هرگاه) است. مثال: إِذَا فَكَّرْتَ قَبْلَ الْكَلَامِ قَلَّتْ أخطاءُكَ: هرگاه قبل از سخن گفتن بیاندیشی اشتباهات کم می شود.

ولی اگر به منظور بیان انجام مشروط یک مورد استفاده قرار نگیرد، فقط یک قید زمان و به معنای (زمانی، هنگامی که) است. مثال:

إِذَا رَجَعْتُ إِلَى الْبَيْتِ كُنْتُ قَدْ أَذَيْتَ وَاجِبَاتِكَ الْمَدْرَسِيَّةَ: هنگامی که به خانه برگشتم تکالیف مدرسه را انجام داده بودی.

خلاصه درس

۱. أدوات شرط کلماتی هستند که برای بیان انجام یا تحقق مشروط کاری استفاده می شوند.
۲. أدوات شرط شامل حرف شرط «إِنْ» و دو اسم شرط «مَنْ» و «مَا» می شود.
۳. أدوات شرط قبل از دو فعل (مضارع - ماضی) قرار می گیرند؛ به فعل اول «فعل شرط» و به دومی «جواب شرط» می گویند.
۴. أدوات شرط غالباً موجب تغییر در فعل مضارع (به جز سوم شخص جمع مونث) می شوند. به این شکل که: علامت ضمه (ـُ) به (ـِ) تبدیل و علامت «ن» در آخر فعل مضارع (به جز صیغه سوم شخص جمع) حذف می گردد.
۵. فعل شرط (چه مضارع باشد و چه ماضی)، غالباً به صورت مضارع التزامی و جواب شرط به شکل مضارع إخباری ترجمه می گردد.
۶. حرف «إذا» به دو شکل دیده می شود: ۱- قید زمان (هنگامی که) ۲- ادات شرط (هرگاه)

اختبر نفسك: مَیَزَ فعل الشرط وجوابه في العبارة التالية ثم ترجمها.

۱- مَنْ لَا يَسْتَمِعُ إِلَى الدرس جَيِّدًا يَرْسُبُ فِي الامتحان.

مبحث : درسنامه تفصيلی عربی سال یازدهم انسانی

جزوه جامع عربی یازدهم انسانی

۲- إِنَّ تُطَالَعُوا كِتَابَ «مُنِيَةِ الْمُرِيدِ» يُسَاعِدُكُمْ فِي كِتَابَةِ الْإِنْشَاءِ.

۳- إِنَّ تَقْرَأْ إِنْشَاءَكَ أَمَامَ الطَّلَابِ فَسَوْفَ يَنْبُئُكَ زَمِيلُكَ الْمُشَاغِبُ.

۴- مَا تَزْرَعُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا تَحْصُدُوا فِي الْآخِرَةِ.

مبحث : درسنامه تفصیلی عربی سال یازدهم انسانی

جزوه جامع عربی یازدهم انسانی

الدرس الرابع: تأثير اللغة العربية على اللغة الفارسية: تأثير زبان عربی بر زبان فارسی

شرح المفردات:

کلمه	نوع کلمه	ترجمه
نُقِلَ	فعل ماضی مجهول - ثلاثی مجرد	منتقل شد.
البضائع	اسم - جمع مکسر	کالاها (مفرد آن: البضاعة)
اشتدَّ	فعل ماضی - ثلاثی مزید باب افتعال (اشتدد ← اشتدَّ)	شدت گرفت



المَعْرِفَةُ وَ النِّكْرَةُ

کلمه «معرفة» از فعل «عَرَفَ: شناخت» و کلمه «نکرة» از فعل «نَكِرَ: نشناخت» گرفته شده است. بنابراین، اسم معرفه یعنی «آشنا» و اسم نکره نیز به معنای «ناآشنا» است. این دو لفظ در زبان عربی بر دو گروه مهم از اسمها إطلاق می شود و اهمیت یادگیری این موضوع در زمینه ترجمه این اسمهاست؛ زیرا اسمهای نکره به هنگام ترجمه به صورتی متفاوت و به شکل ناشناخته ترجمه می شوند. درباره این موضوع در بخشهای بعدی این درس به طور مفصل صحبت خواهیم کرد. به علت اینکه انواع اسمهای معرفه کمتر و نسبت به نکره ها محدودتر است، در ابتدا به بررسی دو مورد از انواع اسمهای معرفه می پردازیم:

۱- معرفه به «ال» ۲- اسم عَلَم (اسم خاص)

۱. معرفه به «ال»:

مهم ترین نشانه اسم معرفه، حرف تعریف «ال» است و هر اسم نکره ای به وسیله این حرف به معرفه تبدیل می شود. مثال:

مُعَلَّم ← المعلم قَلَمًا ← القلم فِي كِتَابٍ ← في الكتابِ

تنوین های سه گانه (ـِ) هم نشانه اسم نکره هستند. به همین سبب، در ترجمه اسمهای نکره بدون «ال» توجه کنید که به شکل نکره (ناشناس) ترجمه شوند. اسم نکره در زبان فارسی به یکی از شیوه های زیر ترجمه

مبحث : درسنامه تفصیلی عربی سال یازدهم انسانی

جزوه جامع عربی یازدهم انسانی

می شود:

اسم مفرد: جاء معلّم إلى المدرسة	اسم جمع: رأيت طلاباً إلى الجامعة
۱. اسم + ی: معلّمی به مدرسه آمد	۱. چند + اسم: چند دانشجو را در دانشگاه دیدم.
۲. یک + اسم: یک معلم به مدرسه آمد	۲. اسم + انی: دانشجویانی را در دانشگاه دیدم.
۳. یک + اسم + ی: یک معلّمی به مدرسه آمد.	

نکته ۱: اگر اسمی در جمله به صورت نکره بیاید و همان اسم در ادامه با «ال» به کار رود، می توان در ترجمه «ال» از (آن و این) استفاده نمود؛ زیرا مخاطب در مرحله دوم نسبت به همان اسم نکره آشنایی پیدا کرده است. مثال:

رأيت كتاباً في المعرض فاشتريت الكتاب: کتابی را در نمایشگاه دیدم، پس آن کتاب را خریدم.

يدخل طالبٌ في المكتبة ثم بدأ الطالب بالمطالعة: دانش آموزی وارد کتابخانه شد، سپس این دانش آموز شروع به مطالعه نمود.

نکته ۲: سال گذشته با «خبر» آشنا شدید و آموختید که خبر غالباً با تنوین به کار می رود. در چنین مواقعی، خبر را به شکل نکره ترجمه نمی کنیم؛ زیرا این تنوین نشانه نقش خبر است و بیانگر نکره بودنش نیست. مثال:

العلمُ كنزٌ: علم گنج است فریقنا فائزٌ: تیم ما برنده است.

۲. اسم علم (خاص): یعنی نام مخصوص شخصی یا مکانی که به وسیله آن از سایر هم نوعان خود شناخته می شوند. مانند: علی، هاشم، مریم / ایران، شیراز، بوشهر....

البته دقت کنید که این اسم ها می توانند در جمله نقش هایی را بر عهده بگیرند و گاهی اوقات تنوینی متناسب با همان نقش بر روی آخرین حرفشان دیده می شود. توجه کنید که چنین تنوینی بیانگر «نکره بودن» این اسم ها نیست. مثال:

شارك علي في مراسم تكريم يوم الطالب: علی در مراسم بزرگداشت روز دانش آموز شرکت کرد.

مبحث : درسنامه تفصیلی عربی سال یازدهم انسانی

جزوه جامع عربی یازدهم انسانی

خلاصه درس

۱- بر اساس معیار شناخت، اسم‌ها در زبان عربی به دو دسته معرفه (آشنا) و نکره (ناآشنا) تقسیم می‌شوند.

۲- اهمیت یادگیری این مبحث در زمینه ترجمه آشکار می‌گردد. در ترجمه اسم‌های نکره به یکی از شیوه‌های زیر عمل می‌کنیم:

اسم مفرد: جاء معلّم إلى المدرسة	اسم جمع: رأيتُ طلاباً إلى الجامعة
۱. اسم + ی: معلمی به مدرسه آمد	۱. چند + اسم: چند دانشجو را در دانشگاه دیدم.
۲. یک + اسم: یک معلم به مدرسه آمد	۲. اسم + انی: دانشجویانی را در دانشگاه دیدم.
۳. یک + اسم + ی: یک معلمی به مدرسه آمد.	

۳- دو نوع مهم از انواع اسم‌های معرفه عبارتند از: معرفه به «ال» - اسم علم (خاص)
 ۴- اسم علم (خاص): یعنی نام مخصوص شخصی یا مکانی که به وسیله آن از سایر هم‌نوعان خود شناخته می‌شوند.

۵- تنوین اسم‌های علم را نباید با تنوین نکره اشتباه گرفت. این تنوین نشانه نقش این کلمات در جمله هستند.

اختبر نفسك:

عين المعرفة والنكرة فيما أُشير إليها بخط، ثم ترجم العبارات حسب قواعد المعرفة والنكرة.

۱. إِنَّ أَحَدَ مُهَاجِمِي فَرِيقِ السَّعَادَةِ سَجَّلَ هَدَفًا.
۲. تَعَالَ نَظْهَبُ إِلَى الْمَلْعَبِ لِمُشَاهَدَةِ مَبَارَاةٍ بَيْنَ الْفَرِيقَيْنِ الْإِيرَانِيِّينَ.
۳. الْعَنْبُ الْبِرَازِيلِي شَجَرَةٌ تَخْتَلِفُ عَنْ بَاقِي أَشْجَارِ الْعَالَمِ وَتَنْبُثُ فِي الْبِرَازِيلِ.
۴. ظَوَاهِرُ الطَّبِيعَةِ تُثَبِّتُ حَقِيقَةً وَهِيَ قُدْرَةُ اللَّهِ.
۵. يَوْجَدُ نَوْعٌ مِنَ الشَّجَرَةِ الْخَانَقَةِ فِي جَزِيرَةِ قِشْمِ الَّتِي تَقَعُ فِي مَحَافِظَةِ هَرْمِزْجَانِ.

عين الترجمة الصحيحة حسب قواعد المعرفة والنكرة

مبحث : درسنامه تفصیلی عربی سال یازدهم انسانی

جزوه جامع عربی یازدهم انسانی

- | | | |
|--------------------------------|----------------------|---------------------|
| ۱- سَمِعْتُ صَوْتًا عَجِيبًا. | صدای عجیبی را شنیدم. | صدای عجیب را شنیدم. |
| ۲- وَصَلْتُ إِلَى الْقَرْيَةِ. | به روستایی رسیدم. | به روستا رسیدم. |
| ۳- نَظَرْتُ إِلَى الْمَاضِي | نگاهی به گذشته | نگاه به گذشته |
| ۴- الْعِبَادُ الصَّالِحُونَ | بندگانِ درستکار | بندگانِ درستکار |
| ۵- السَّوَارُ الْعَتِيقُ | دستبندِ کهنه | دستبندی کهنه |
| ۶- التَّارِيخُ الذَّهَبِيُّ | تاریخی زرّین | تاریخ زرّین |

تَرْجَمَةُ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ (۱)

فعل مضارع (به جز فعل‌های دوم و سوم شخص جمع مونث) در میان سایر افعال زبان عربی دارای ویژگی تغییرپذیری در ساختار و معناست. یعنی کلماتی قادرند بر ساختار و معنای آن تأثیر بگذارند و آن را دچار تغییر کنند. در این درس با گروهی از این کلمات و عملکرد آنها آشنا می‌شویم.

حروف: أن (که) - لَنْ (هرگز نه...) - كَي، لَكَي، حَتَّى (تا، برای اینکه)

با توجه به اینکه آموزش تغییرات ساختاری فعل مضارع در چنین حالاتی از اهداف درسی این کتاب نیست، از پرداختن به آن چشم‌پوشی می‌کنیم. ولی در ادامه به تغییرات معنایی فعل مضارع به همراه این کلمات می‌پردازیم.

فعل مضارع به همراه (أَنْ، كَي، لَكَي، حَتَّى) به مضارع مضارع التزامی ترجمه می‌شود:

- يُحَاوِلُ الْقَاضِي الْعَادِلُ أَنْ يَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِالْعَدْلِ: قاضی عادل سعی می‌کند که بین مردم با عدالت داوری کند.

- إِنْ يَتَّحِدِ الْمُسْلِمُونَ فَلْأَعْدَاءُ لَنْ يَتِمَّ كُنُوزُهُمْ مِنَ الْغَلْبَةِ عَلَيْهِمْ: اگر مسلمانان متحد شوند، دشمنان هرگز آنها را شکست نخواهند داد.

- عَزَمَ الطَّلَابُ أَنْ يَحَاوِلُوا فِي دُرُوسِهِمْ أَكْثَرَ: دانشجویان تصمیم گرفتند که در درس‌هایشان بیشتر تلاش کنند.

- أَنْتُمْ تُسَاعِدُونَ الْفُقَرَاءَ كَيْ يَكْتَسِبُوا مَا يَحْتَاجُونَ إِلَيْهِ: شما به نیازمندان کمک می‌کنید تا آنچه نیاز دارند را به‌دست بیاورند.

مبحث : درسنامه تفصیلی عربی سال یازدهم انسانی

جزوه جامع عربی یازدهم انسانی

- نحنُ نقاومُ أمامَ المشاكلِ لكي نتغلبَ عليها: ما در برابر مشکلات مقاومت می کنیم تا بر آنها چیره شویم.
- اجتهدوا في أعمالكم لتفرحوا في الحياة: در کارهایتان تلاش کنید تا در زندگی شاد شوید.
- نکته مهم: در زبان عربی برای منفی کردن فعل در زمان آینده از «لن + فعل مضارع» استفاده می شود. در این صورت، فعل مضارع را به شکل (هرگز + آینده منفی) ترجمه می کنیم.
- يُحصلُ: به دست می آورد ← لَنْ يحصلَ: هرگز به دست نخواهد آورد
- تنجحون: موفق می شوید ← لَنْ تنجحوا: هرگز موفق نخواهید شد

خلاصه درس

- ۱- از میان فعل‌ها در زبان عربی، فقط فعل مضارع (به جز ساختارهای دوم و سوم شخص جمع مونث) از عوامل قبل از خود تأثیر می پذیرد و دچار تغییر ساختاری و معنایی می گردد.
 - ۲- حروف أن (که) - لَنْ (هرگز نه...) - كَيْ، لَكَيْ، حَتَّى (تا، برای اینکه) معنای فعل مضارع اخباری را به مضارع التزامی تبدیل می کنند.
 - ۳- حرف «لَنْ» معنای فعل مضارع اخباری را به (هرگز + آینده منفی) تبدیل می کند.
- اختبر نفسك: ترجم العبارات حسب ما تعلّمت من القواعد.
۱. قَرَّرَ أَرْبَعَةُ طُلَّابٍ أَنْ يَغِيبُوا عَنِ الْامْتِحَانِ.
 ۲. نَحْنُ لَنْ نَسْتَطِيعَ الْحُضُورَ فِي الْامْتِحَانِ فِي الْوَقْتِ الْخَدِّدِ.
 ۳. وَاظِقْ الْأُسْتَاذُ أَنْ يُوجِّلَ لَهُمُ الْامْتِحَانَ لِمُدَّةِ أُسْبُوعٍ.
 ۴. أَجْلَسَ الْأُسْتَاذُ كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ فِي زَاوِيَةٍ لِيَفَرِّقَهُمْ فِي قَاعَةِ الْامْتِحَانِ.

مبحث : درسنامه تفصیلی عربی سال یازدهم انسانی

جزوه جامع عربی یازدهم انسانی

الدرس الخامس: الصدق: راستگویی

شرح المفردات:

کلمه	نوع کلمه	ترجمه
يُحْكِي	فعل مضارع مجهول - ثلاثي مجرد	حکایت می‌شود
يُصْلِحُ	فعل مضارع - ثلاثي مزيد باب إفعال	درست گرداند
تَخْلُصُ	فعل ماضی باب تفعّل	رها شد (مترادف: نجا)
لِيُنْقِذُوا	فعل مضارع - ثلاثي مزيد باب إفعال	تا نجات دهند



الْجُمْلَةُ بَعْدَ النَّكِرَةِ

یکی از کارایی‌های جملات در زبان، توصیف و بیان ویژگی‌های اسم نکره‌ای قبل از آن است؛ به این صورت که اسم نکره‌ای (ناشناسی) در جمله قرار می‌گیرد که می‌تواند دارای ویژگی‌های مختلفی باشد و ما به وسیله جمله‌ای که پس از آن می‌آید، به توصیف آن اسم نکره می‌پردازیم. به چنین جملاتی در زبان عربی «الجملة الوصفية: جمله توصیف کننده» گفته می‌شود. بنابراین ضروری است که در ترجمه و قبل از چنین جملاتی از حرف ربط «که» استفاده کنیم. مثال:

رأيتُ طالباً يطالعُ كتابَه ——— دانش‌آموزی را دیدم که کتابش را مطالعه می‌کرد.

الكتابُ صديقٌ يُنقِذُكَ من الجهل ——— کتاب دوستی است که تو را از نادانی نجات می‌دهد.

نکته ۱: نکته مهمی که باید در ترجمه جملات توصیف کننده در نظر گرفته شود، توجه به فعل این جملات است. زیرا ترجمه فعل این جملات با توجه به فعل جمله قبلی انجام می‌شود. به جدول زیر توجه کنید.

فعل جمله توصیف کننده	مثال
ماضی + مضارع ——— مضارع استمراری	وَجَدْنَا برنامجاً يَسَاعِدُنَا على تعلّم اللغة العربية برنامه‌ای را یافتیم که به ما در یادگیری زبان عربی کمک

مبحث : درسنامه تفصیلی عربی سال یازدهم انسانی

جزوه جامع عربی یازدهم انسانی

می کرد	
نَفَتَّشَ عَنْ مَعْجَمٍ يُسَاعِدُنَا فِي فَهْمِ النُّصُوصِ دنبال فرهنگ‌لغتی می‌گردیم که به ما در فهم متون کمک کند	مضارع + مضارع — مضارع التزامی
اشْتَرَيْتُ كِتَابًا رَأَيْتُهُ أَمْسَ: کتابی را خریدم که دیروز دیده‌بودم عَصَفَتْ رِيحٌ شَدِيدَةٌ حَرِيثٌ بَيْتًا جَنْبَ شَاطِئِ الْبَحْرِ باد شدیدی وزید که خانه‌ای را در کنار ساحل دریا خراب کرد	ماضی + ماضی — ماضی بعید یا ساده

نکته ۲:

نکات گفته‌شده مربوط به زمانی است که هم جمله توصیف‌کننده و هم جمله قبل از آن، فعلیه باشند. در غیر این‌صورت، جملات توصیف‌کننده را طبق سبک و سیاقشان ترجمه می‌کنیم:

القناعة كنز لا ينفد — قناعت گنجی است که تمام نمی‌شود.

أطالع كتاباً موضوعاته علمية — کتابی را مطالعه می‌کنم که موضوعاتش علمی است.

خلاصه درس

۱- به جملاتی که پس از اسمی نکره و برای توصیف آن به کار می‌روند، جمله توصیف‌کننده (الجملة الوصفية) گفته می‌شود.

۲- ضروری است که از حرف ربط «که» در ترجمه جملات توصیف‌کننده استفاده کنیم.

۳- اگر هر دو جمله توصیف‌کننده و جمله قبل از آن فعلیه باشند، فعل جمله دوم را با توجه به جمله نخست ترجمه می‌کنیم:

ماضی + مضارع — مضارع استمراری مضارع + مضارع — مضارع التزامی

ماضی + ماضی — ماضی بعید یا ساده

اختر نفسك: ترجم العبارات حسب ما تعلّمت من القواعد.

۱. سافرتُ إلى مدينةٍ قد سمعتُ عنها مِن قبلُ.

۲. أقوم بتأليف كتابٍ يُساعدُ تلاميذي على تعلّم اللغة العربية.

مبحث : درسنامه تفصیلی عربی سال یازدهم انسانی

جزوه جامع عربی یازدهم انسانی

۳. أعجَبَنِي رجلٌ يساعِدُ الفقراءَ.
۴. جاء طالبٌ إلى الصَّفِّ ما عرفتهُ في البداية.
۵. يغرِدُ الطيورُ فوقَ شجرةٍ أوراقُها خضراءُ.

مبحث : درسنامه تفصیلی عربی سال یازدهم انسانی

جزوه جامع عربی یازدهم انسانی

الدرس السادس: ارحموا ثلاثة: به سه نفر رحم کنید

شرح المفردات:

کلمه	نوع کلمه	ترجمه
أَسَرَ	فعل ماضی - ثلاثی مجرد	اسیر کردند
يُضْرَبُ	فعل مضارع مجهول - ثلاثی مجرد	(مثال) زده می شود
يَقْلُقُ	فعل مضارع - ثلاثی مجرد	آزاد می گرداند (مصدر آن: قَلَقٌ)
يَحْمِي	فعل مضارع - ثلاثی مجرد	حمایت می کند (مصدر آن: حماية)
يُعِينُ	فعل مضارع - ثلاثی مزید	کمک می کند (مصدر آن: إعانة)



تَرْجَمَةُ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ (٢)

در ادامه موضوع درس گذشته پیرامون عوامل مؤثر بر ترجمه فعل مضارع، به گروه دوم از کلماتی می‌رسیم که در ساختار و معنای فعل مضارع تغییراتی به وجود می‌آورند. این کلمات عبارتند از:

حروف: لَمْ - لَ (أمر) - لا (نهی)

١- «لَمْ»

این حرف، معنای فعل مضارع را به ماضی ساده یا نقلی منفی تبدیل می‌کند و مانند «ما» نفی در معنای فعل مضارع تأثیر می‌گذارد ← ماضی منفی در زبان عربی: ما + فعل ماضی یا لَمْ + فعل مضارع

مثال:

لَمْ تَكْتُبْ: ننوشتی / ننوشته‌ای	←	تَكْتُبْ: می نویسی
لَمْ تَسْمَعُوا: نشنیدید / نشنیده‌اید	←	تَسْمَعُونَ: می شنوید
لَمْ يُجْلِسْ: ننشانده‌اند / نشانده‌اند	←	يُجْلِسْنَ: می نشانند

مبحث : درسنامه تفصیلی عربی سال یازدهم انسانی

جزوه جامع عربی یازدهم انسانی

۲- «لِ» امر

این حرف به معنای «باید» است و فعل مضارع ساده را به مضارع التزامی تبدیل می‌کند. البته توجه کنید که این کلمه فقط بر سر فعل‌های (اول شخص و سوم شخص) وارد می‌شود. مثال:

- | | | |
|--------------------------|------------------------------|--------------------------|
| لِنَرْجِعْ: باید برگردیم | لِيُسَاعِدُوا: باید کمک کنند | لِيَذْهَبْنَ: باید بروند |
| - نَرْجِعْ: برمی‌گردیم | - يُسَاعِدُونَ: کمک می‌کنند | - يَذْهَبْنَ: می‌روند |

نکته ۱: البته به این موضوع هم توجه کنید که حرف «لِ» فعل مضارع را به مضارع التزامی مثبت تبدیل می‌کند و اگر حرف «لَا» نمی‌بر سر فعل‌های (اول شخص و سوم شخص) وارد شود، فعل مضارع را به مضارع التزامی منفی تبدیل می‌کند. مثال:

- | | |
|----------------------------------|------------------------------------|
| لَا يُشَارِكُوا: نباید شرکت کنند | لَا تُسَافِرُوا: نباید مسافرت کنید |
| - يُشَارِكُونَ: شرکت می‌کنند | - تُسَافِرُونَ: مسافرت می‌کنیم |

نکته ۲: تاکنون با چند نوع از حرف «لِ» آشنا شدید که برخی قبل از اسم و برخی دیگر قبل از فعل قرار می‌گیرند. انواع «لِ» عبارت است از:

- ✓ «لِ» به معنای (مال، از آن): لِمَنْ هَذِهِ الْحَقِيقَةُ: این چمدان (مال، از آن) چه کسی است؟
- ✓ «لِ» به معنای (برای): اشتریت هذه الحقيبة للسفر: این چمدان را برای سفر خریدم.
- ✓ «لِ» به معنای (داشتن): لي صديق حميم في المدرسة: من دوستی صمیمی در مدرسه دارم.
- ✓ «لِ» به معنای (باید): لِأَجْتَهِدْ في دروسي أكثر: باید در درس‌هایمان تلاش بیشتری کنم.
- ✓ «لِ» به معنای (تا): هو يذهب إلى المكتبة لِيُطَالِعَ دروسه: او به کتابخانه می‌رود تا درس‌هایش را مطالعه کند.

نکته ۳: حرکت «لِ» با ضمایر به غیر از (ي) به فتحه و پس از حروف (و- ف) به ساکن تبدیل می‌شود:

با ضمایر: لَكُمْ، لَهُمْ، لَكَ، لِي...

با حروف (و- ف): وَلْتُسَاعِدْ: باید کمک کنیم / فَلْيَعْمَلْ: پس باید انجام دهند.

مبحث : درسنامه تفصیلی عربی سال یازدهم انسانی

جزوه جامع عربی یازدهم انسانی

خلاصه درس

- ۱- حروف (لَمْ - لَمْ - لَمْ) نیز بر ساختار و معنای فعل مضارع تأثیر می‌گذارند.
- ۲- حرف (لَمْ) فعل مضارع اخباری مثبت را به ماضی ساده یا نقلی منفی تبدیل می‌کند.
- ۳- حرف لَمْ (أمر) به معنای «باید» است و معنای فعل‌های (اول شخص و سوم شخص) را به مضارع التزامی مثبت می‌کند.
- ۴- حرف «لا» نهی، معنای فعل‌های (اول شخص و سوم شخص) را به مضارع التزامی منفی می‌کند.

اختبر نفسك:

ترجم العبارات حسب ما تعلّمت من القواعد.

- لِنَسْتَمِعْ إِلَى مُحَاضَرَةِ الْأُسْتَاذِ.
- هُمْ لَمْ يَتَوَقَّعُوا هَذِهِ الْمُسَاعَدَةَ مِنْ جَانِبِكُمْ.
- لِمَنْ هَذِهِ الْجَوَالُ؟
- لَا تَظْلَمْ كَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ تُظْلَمَ.

انتخب الجواب الصحيح.

- ۱- عَلَيْكَ بِالْمُحَاوَلَةِ، وَ..... فِي حَيَاتِكَ. ☐ أَنْ تَيَاسَّ ☐ كَي تَيَاسَّ ☐ لَا تَيَاسَّ
- ۲- أَنَا فِي السَّنَتَيْنِ الْمَاضِيَتَيْنِ. ☐ لَنْ أُسَافِرَ ☐ لَمْ أُسَافِرَ ☐ لِكَي أُسَافِرَ
- ۳- أُرِيدُ إِلَى سَوَاقِ الْحَقَائِبِ. ☐ أَنْ أَذْهَبَ ☐ لَمْ أَذْهَبَ ☐ إِنْ أَذْهَبَ
- ۴- هُوَ إِلَى الْمَلْعَبِ غَدًا. ☐ لَنْ يَرْجِعَ ☐ مَا رَجَعَ ☐ لَمْ يَرْجِعْ
- ۵- مَنْ يَنْجَحْ فِي أَعْمَالِهِ. ☐ لَا يَجْتَهِدُ ☐ لَا يَجْتَهِدُ ☐ يَجْتَهِدُ

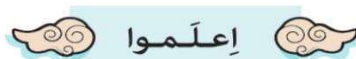
مبحث : درسنامه تفصیلی عربی سال یازدهم انسانی

جزوه جامع عربی یازدهم انسانی

الدرس السابع: لا تقنطوا: ناامید نشوید

شرح المفردات:

کلمه	نوع کلمه	ترجمه
هزيمة	اسم - مصدر ثلاثی مجرد (هزم، يهزم)	شکست
المعوق	اسم مفعول ثلاثی مزید	معلول، جانباز
صيرت	فعل ماضی - ثلاثی مزید باب تفعیل	تبدیل کرد



مَعَانِي الْأَفْعَالِ النَّاقِصَةِ

افعال ناقصه تقریباً معادل فعل‌های ربطی (بود، شد، گشت، گردید، نیست) در زبان فارسی‌اند و به همین علت به ناقصه معروفند؛ زیرا معنایشان با وجود اسمی پس از آن ذکر می‌شود ناقص است و فقط با وجود اسم دومی که بعد از آن می‌آید کامل می‌گردد. این افعال عبارتند از:

کان (بود) - صار - أصبح (شد - گشت - گردید) - لیس (نیست)

۱- مهم‌ترین معانی (کان):

«بود» ← کان الهواء بارداً: هوا سرد بود / کان باب الغرفة مُغْلَقاً: در اتاق بسته بود

«است» ← إنَّ الله کان غفوراً رحیمًا: بی‌گمان خداوند آمرزنده و مهربان است

«داشت»؛ در صورتی که قبل از حرف (لِ - عندَ) بیاید:



کان لی (عندي) کتب قیمة: کتاب‌های ارزشمندی داشتم.

«فعل کمکی ماضی استمراری»؛ در صورتی که قبل از فعل مضارع بیاید:



کان الطالبُ یتکلم مع أستاذِهِ: دانشجو با استادش صحبت می‌کرد.

مبحث : درسنامه تفصیلی عربی سال یازدهم انسانی

جزوه جامع عربی یازدهم انسانی

– «فعل کمکی ماضی بعید»؛ در صورتی که قبل از فعل ماضی ساده یا ماضی نقلی بیاید:

كان الطالبُ (تكلّم / قد تكلّم) مع أستاذه: دانشجو با استادش صحبت کرده بود.

۲- (صار - أصبح)؛ مضارع صارَ «يصيرُ» و مضارع أصبحَ «يُصبحُ» است. این دو فعل به معنای «شد، گشت و گردید» است.

نَزَلَ المطرُ صباحاً و صارَ الجوُّ لطيفاً: صبحگاهان باران بارید و هوا لطیف شد.

جاء الخريفُ فصارتِ الأرضُ مفروشةً بأوراقِ الأشجار: پاییز آمد و زمین پوشیده از برگ درختان گشت.

۳- (ليسَ)؛ نیست:

ليسَ الطالبُ في الصف: دانش‌آموزان در کلاس نیستند.

إنَّ اللغةَ الفارسيةَ ليستْ منفصلةً عن اللغةِ العربيةِ: زبان فارسی از زبان عربی جدا نیست.

خلاصه درس

۱- افعال ناقصه در زبان عربی معادل افعال ربطی در زبان فارسی هستند.

۲- مهم‌ترین افعال ناقصه عبارتند از: كان (بود) - صار - أصبح (شد - گشت - گردید) - ليسَ (نیست)

۳- فعل «كان» قبل از (لِ - عند) معادل فعل «داشتن» در زبان فارسی است.

۴- فعل «كان» + «مضارع» معادل ماضی استمراری در زبان فارسی است.

۵- فعل «كان» + «ماضی ساده یا نقلی» معادل ماضی بعید فارسی است.

اختبر نفسك:

ترجم العبارات حسب ما تعلّمت من القواعد.

۱. ليس تأثير اللغة العربية على اللغة الفارسية قبل الإسلام أكثر من تأثيرها بعد الإسلام.

۲. كان لابن المقفع دور كبير في تأثير اللغة الفارسية على اللغة العربية.

۳. أصبح نفوذ اللغة الفارسية في اللغة العربية كثيراً بسبب مشاركة الإيرانيين في قيام الدولة الإسلامية.